

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی (مطالعه موردی: زنجان)

غلامحسن حیدری

عضو هیات علمی دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

بهمن کارگر

عضو هیات علمی دانشگاه علوم انتظامی و دانشگاه آزاد اسلامی واحد شهرری

سیده سمیه منافی

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه زنجان

میترا خراسانیان^۱

دانشجوی کارشناسی ارشد جغرافیا و برنامه‌ریزی روستایی، دانشگاه آزاد اسلامی واحد علوم و تحقیقات تهران

تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۰/۱۰/۳۰

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۰/۷/۲۷

چکیده

تحت تاثیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی در سراسر جهان و وقوع انقلاب در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات و به موازات آن افزایش قابل ملاحظه ناهنجاری‌های اجتماعی در اکثر کشورهای توسعه یافته و در حال توسعه، طی دهه‌های اخیر، دیدگاه‌های نوینی برای کنترل، پیشگیری و مقابله با بزهکاری‌ها ارائه شده است. یکی از انواع راهبردهای پیشگیرانه از جرم "پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی" است که نخستین بار توسط جرم‌شناس آمریکایی سیرجفری در کتابی با همین عنوان ارائه شد. جفری در این کتاب پیشنهاداتی برای طراحی شهری ارائه نمود که در آن طرح خیابان‌ها، ساختمان‌های مسکونیو فضاهای باز و ... اصلاح و بدین طریق فرصت‌های بزهکاری کاهش می‌یابد. در واقع این نظریه، معتقد است که رفتار انسانی تحت تاثیر طراحی محیطی است که در آن زندگی می‌کند و تاکید دارد که با بهینه‌سازی محیط و ایجاد تصویری مثبت از محیط، می‌توان ارتکاب جرم در محیط را کاهش داد و یا از بین برد. پیشگیری محیطی از جرم، بر این مفهوم ساده مبتنی است که جرم تا اندازه‌ای پیامد فرصت‌های برخاسته از محیط است و در این صورت، باید دگرگونی محیط فیزیکی به منظور کاستن ارتکاب جرم امکان‌پذیر شود. در واقع هدف این مقاله، ارتقای سطح آگاهی صاحبان منزل، معماران و طراحان شهری درباره مفهوم پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است که به دنبال افزایش امنیت، توسعه شهری و کاهش فرصت‌های مجرمانه حاصل می‌شود. بر همین اساس شهر زنجان به عنوان مطالعه موردی انتخاب شده است. طی بررسی‌های به عمل آمده، می‌توان چنین استنباط کرد که با توزیع متعادل کاربری‌های مختلف در سطح شهر از یک سو، می‌توان باعث افزایش نظارت اجتماعی در مناطق خلوت شهر و از سوی دیگر باعث کاهش تراکم بیش از حد جمعیت و فعالیت‌ها در بخش‌های متراکم شهر شد و بدین طریق می‌توان از بروز جرایم پیشگیری کرد.

واژگان کلیدی: پیشگیری از جرم، طراحی محیطی، فرصت‌های کلیدی، بهینه‌سازی محیط، زنجان.

مقدمه

جرم عبارت است از، هر شیوه رفتاری که قانون را نقض می‌کند. یک جرم وقتی اتفاق می‌افتد که چهار عامل همزمان با هم وجود داشته باشد: (۱) قانون (۲) مجرم (۳) هدف (۴) مکان وقوع جرم (اشنایدر، ۱۳۸۷، ص ۱۸). در این مقاله عمدتاً به جرائمی می‌پردازیم که بر اساس نظرسنجی‌های عمومی، شهروندان بیشتر از آن واکنش دارند. جرم‌هایی مربوط به افراد یا اموال، مانند تجاوز، دزدی یا اعمال زور، دستبرد، سرقت‌های مرتبط با اتومبیل و دزدی‌های عادی. در این مقاله به جرم‌های مربوط به مشاغل اداری مثل کلاهبرداری و تقلب اشاره نخواهد شد. گرچه این جرم‌ها باری به دوش افراد می‌گذارند و برای جامعه پرهزینه هستند لکن دارای ساختاری هستند که معمولاً نیاز به بررسی‌های خاص منطقه‌ای دارند.

از پیامدهای ازدیاد جمعیت و رشد بی‌رویه شهرها، افزایش جرم و جنایت در آنهاست. شناسایی عوامل جرم‌زا اصلی‌ترین گام در جهت کاهش جرایم محسوب می‌شود. اندیشمندان طی بررسی‌های به عمل آمده به این نتیجه رسیده‌اند که انگیزه، زمان و مکان، ۳ عنصر اصلی در وقوع جرایم مختلف می‌باشند. در واقع تفاوت در ویژگی‌های رفتاری و ساختارهای مکانی و زمانی منجر به توزیع متفاوت جرایم در سطح شهرها می‌شود. در این میان عنصر مکان در بروز انواع ناهنجاری‌ها نقش بسزایی دارد. هر جرمی در شرایط زمانی و مکانی خاصی اتفاق می‌افتد. مجرمین بیشتر، مکان‌هایی را جهت اعمال مجرمانه خود برمی‌گزینند که فرصت‌های مناسبی جهت ارتکاب جرم داشته باشند. بعضی مکان‌ها، فرصت و شرایط محیطی مناسبی برای بزهکاران جهت انجام اعمال مجرمانه آنها پدید می‌آورند و در مقابل، بعضی محیط‌ها مانع بروز ناهنجاری هستند. لذا تلاش در جهت حذف این فرصت‌ها در فضاهای شهری منجر به کاهش جرایم خواهد شد. در این راستا، طراحی شهری می‌تواند نقش بسیار مهمی در جلوگیری از وقوع جرایم ایفا نماید. برنامه‌ریزان شهری با شناخت محیط‌های جرم‌زا در شهرها و نیز با برنامه‌ریزی و طراحی مناسب می‌توانند فضاهای مقاوم در برابر جرم ایجاد نمایند و از وقوع بسیاری از جرایم جلوگیری نمایند. بنابراین با شناخت رابطه بین نوع و میزان جرم و ویژگی‌های مکانی و محیطی وقوع آنها و برنامه‌ریزی و طراحی و معماری مناسب این‌گونه فضاها، می‌توان میزان ناهنجاری را در شهرها به حداقل میزان ممکن تقلیل داد. دیدگاه گذشته، پیشگیری از وقوع بزهکاری را تنها وظیفه پلیس می‌دانست و اکنون این نگرش بسیار تغییر کرده است. برای کاهش بزهکاری و افزایش ایمنی در سطح شهرها می‌توان به شیوه‌های مختلفی از طریق مردم، مقامات جمعی و برنامه‌ریزان و سایرین اقدام نمود. یکی از این روش‌ها، روش پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی است. این نظریه بر این ادعا استوار است که می‌توان «با طراحی مناسب و کاربری موثر از محیط از ارتکاب جرم پیشگیری کرد، و علاوه بر بهبود کیفیت محیط زندگی، بر ترس ناشی از جرم نیز غلبه نمود» این نظریه هدف و تمرکز خود را بر محیط ساخته شده و جرایم مرتبط و شایع در مناطق مسکونی مانند دیوارنویسی، تخریب و سرقت قرار می‌دهد. به عبارت دیگر، اگر محیط به نحوی طراحی شود که بتواند موجب بهبود نظارت افراد شده، تعلق ساکنان را به قلمرو خود بالا برده و تصویری مثبت از فضا ایجاد کند، فرصت‌های مجرمانه کاهش خواهد یافت و مجرمان از ارتکاب جرم باز خواهند ماند. به عقیده گوسن، این بهترین روش برای به حداقل رساندن جرم است، زیرا به جای تغییر

شخصیت تک تک افرادی که مرتکب جرم می‌شوند، آسان‌ترین روش، تغییر شرایط محیط است. در واقع با تغییر ساختار و طراحی خیابان‌ها، ساختمان‌های مسکونی، پارک‌ها و... می‌توان از وقوع فعالیت‌های مجرمانه کاست و موجب بهبود امنیت در شهرها شد (مبانی جرم‌شناسی، ۱۳۸۱، ص ۳۳).

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی روی ارتباط بین اهداف کاربردی، بهره‌فضایی و مدیریت رفتار تاکید دارد. این نگرش ۳گانه بر پایه ۳بعد فضای انسانی استوار است: همه فضاهای انسانی دارای هدف تعریف شده و مشخصی می‌باشد و دارای تعاریف اجتماعی، قانونی، فرهنگی و فیزیکی هستند که یک‌سری رفتارهای مناسب و شایسته را مقرر کرده‌اند. همه فضاهای انسانی برای حمایت و کنترل رفتارهای شایسته طراحی شده‌اند. شاید در این میان بتوان گفت که نقش و تاثیرگذاری محیط بر جرم، از ابتدا زیاد مورد توجه واقع نشده بود. البته اگر به این مسئله هم پرداخته شده باشد، بیشتر این رویکردها جبرگرایانه بوده و بیشتر بر تاثیرگذاری محیط جغرافیایی و طبیعی بر جرم پرداخته شده است و بحثی پیرامون تاثیر محیط فیزیکی و ساخته شده، بر رفتار مطرح نبوده است. این نظریه از اوایل دهه ۶۰ و ۷۰ میلادی در آمریکا شروع به شکل‌گیری می‌کند و در آثار افرادی چون الیزابت وود، جین جاکوبز، اسپلمو آنجل، اسکار نیومن و سی. ری جفری، اهمیت طراحی شهری و تاثیر آن بر رفتار و جرم، به وضوح مشاهده می‌شود. در این آثار، نوعی انتقاد از وضع موجود معماری در آن دوره وجود دارد. برای مثال، جاکوبز در کتاب خود، «حیات و مرگ شهرهای بزرگ آمریکا»، بیان می‌دارد که می‌توان از طریق کاهش شرایط «گمنامی» و «انزوا» از «جرایم شهری» پیشگیری کرد. جاکوبز اعتقاد داشت که طراحی شهری در این دوره، مانعی بر سر راه کنترل اجتماعی غیررسمی و «خود نظارتی» تلقی می‌شود و تا هنگامی که همسایگان نمی‌توانند با یکدیگر تعامل برقرار کنند، جرم همچنان وجود خواهد داشت.

ابزار گردآوری اطلاعات

در این پژوهش، جهت گردآوری اطلاعات از دو روش اسنادی و میدانی استفاده شده است. با منابع کتابخانه‌های شامل کتب یا مقالات، اسناد، طرح‌های توسعه شهری، پایان‌نامه‌های دانشگاهی، نقشه‌ها و منابع مرتبط با موضوع و نیز شبکه اینترنت، اطلاعات گردآوری و مطالعه شده است. همچنین نمونه‌های مورد نیاز پژوهش از طریق مطالعات میدانی اخذ شده است.

روش تجزیه و تحلیل اطلاعات

در تجزیه و تحلیل اطلاعات این پژوهش، از روش‌های کمی و کیفی جهت تحلیل موضوع مورد بررسی، استفاده شده است.

فرضیه‌های تحقیق

از آن‌جا که پژوهش حاضر در پی امکان‌سنجی استفاده از نوعی از ابزارها و روش‌های نوین (CPTED) در حل مسایل شهری (نمونه خاص: جرم در شهرها) می‌باشد و در پی رد یا تایید روابط علی و معلولی خاصی است، و آن هم طراحی مناسب شهرها از لحاظ کالبد و شکل و ارتباط آن با پیشگیری از جرم می‌باشد، لیکن پیش‌فرض‌های پژوهش به قرار زیر می‌باشد:

- به نظر می‌رسد با توجه به تنگناها و نارسائی‌های طراحی شهری در زنجان و مشکلات مربوط به مسایل جرم در این شهر، در مقطع کنونی به کارگیری CPTED، قادر باشد، امنیت در شهرها را بالا برده و از این طریق مردم از احساس امنیت و آرامش خاطر بالایی برخوردار گردند.

- به نظر می‌رسد که CPTED به برنامه‌ریزان این امکان را می‌دهد که به جای توجه صرف به مسایل اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی، به کالبد و شکل طراحی شهرها نیز توجه کنند.

اهداف تحقیق

مهم‌ترین هدف پژوهش حاضر برخوردهای علمی و عملی بویژه از منظر برنامه‌ریزی شهری جهت حل یکی از معضلات بشر امروز است. به عبارت دیگر این پژوهش بر این نکته تأکید دارد که برنامه‌ریزی مناسب محیط شهری می‌تواند منجر به کاهش فرصت‌های جرم و جنایت و افزایش امنیت عمومی در سطح شهرها شود و از این راه می‌توان جامعه را به سوی سلامت و امنیت بیشتر هدایت نمود و کیفیت زندگی شهروندان را بهبود بخشید. این پژوهش در پی معرفی CPTED به عنوان یک روش و نظریه مناسب در بهبود شرایط شهرها از لحاظ امنیت و کاهش جرایم می‌باشد، همچنین این پژوهش در پی آن است که رابطه بین وقوع جرم و فضاهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی و کالبد شهر را مورد بررسی قرار دهد و با ارائه راهکارهای برنامه‌ریزی، به حل معضل جرم در زنجان کمک کند.

سوالات تحقیق

در این پژوهش می‌توان سوالاتی به شرح زیر مطرح نمود:

- ۱) منظور از پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی چیست؟
- ۲) آیا وجود و یا عدم وجود برخی کاربری‌ها در طراحی و کالبد شهر در وقوع جرم موثر است؟
- ۳) چه پیشنهادات و راهکارهایی برای اصلاح وضعیت کالبدی شهر برای بهبود وضعیت امنیت شهرها به ویژه شهر زنجان می‌توان ارائه نمود؟

ارتباط طراحی و جرم

تا به حال هیچ نظریه واحدی نتوانسته تأثیر متغیرهای مستقل فردی و اجتماعی را بر فرد پژوهکار مشخص کند. از طرفی معمولاً شرایط بروز و وقوع جرم و آنچه که افراد را به مجرم تبدیل می‌کند، در بررسی‌ها و تحلیل‌ها نادیده گرفته می‌شود. واقعیت این است که افراد هنگامی به جرم و بزه رو می‌آورند که پیوندهایشان با جامعه ضعیف شده یا به کلی از بین برود و اینجا همان نقطه‌ای است که وابستگی‌ها، حساسیت‌ها، تعهدات، ارزش‌ها و باورهای فرد دچار آسیب جدی می‌شود. در یک نگاه کلی جوامع شهری اغلب بستر مناسب‌تری برای وقوع چنین اتفاقاتی به نظر می‌رسند. آنچه مسلم است بافت ساده و سنتی روستاها و پیوندهای عاطفی و ارتباطات انسانی گسترده و عمیق‌تر در جوامع کوچک روستایی، خود به عنوان عاملی اساسی و مهم در کاهش وقوع جرایم نقش بازی می‌کند. اما جرم انواع متفاوتی دارد که از آن جمله می‌توان جرایم شهری را نام برد، جرایم شهری جرایمی هستند که در محیط شهری روی می‌دهند. منظور از محیط شهری نیز همین مفهوم جغرافیایی و اجتماعی آن است و از این لحاظ شامل

حومه شهر و اشخاصی که به طور غیررسمی در حاشیه شهرها اسکان دارند نیز می‌گردد. در مورد معیار تمایز مناطق شهری، برخی از محققان^۳ معیار مهم اندازه، تراکم و گوناگونی را مطرح ساخته‌اند. اندازه مهم است؛ چون با افزایش جمعیت، افرادی با همدیگر ارتباط پیدا می‌کنند که هیچ گونه وابستگی به هم نداشته و نسبت به همدیگر غریبه محسوب می‌شوند. همین امر منجر به شکل‌گیری طبقات مختلفی، از حیث اجتماعی، میان مردم می‌شود. تراکم نیز فی‌نفسه عامل آن است که جرایمی ارتکاب یابد که نظیر آن را در محیط‌های غیر شهری نمی‌توان یافت. گوناگونی هم از این حیث که افرادی با ویژگی‌های مختلف فرهنگی، اقتصادی، اخلاقی و... در کنار هم زندگی می‌کنند، تعیین کننده است؛ زیرا تمام این عوامل و تفاوت یا تبعیض در داشتن این ویژگی‌ها، خود زمینه بروز جرایمی را فراهم می‌سازد که در محیط روستایی نمی‌توان این طبقه‌بندی‌ها و جرایم را تصور کرد. همچنین اگرچه شهرها دارای نقاط کور زیادی بوده و مستعد جرایم بیشتری نسبت به سایر نقاط هستند. اندازه محیط‌های شهری و ناشناس بودن مردم برای همدیگر از جمله دلایل ایجاد دسته‌بندی‌های مختلف میان مردم در شهرهاست. از دید جرم‌شناسی، شهرنشینی منجر به ایجاد فرصت‌های بیشتری برای ارتکاب جرم گردیده و فقدان یا ضعف کنترل‌های غیررسمی اجتماعی، زمینه را برای فعالیت‌های مجرمانه بیشتر فراهم می‌سازد. و با لحاظ این موضوع که تفاوت در ساختار و مسائل اجتماعی فی‌نفسه منجر به ارتکاب جرایم گوناگون در مناطق مختلف می‌شود. برای مثال در مناطق شلوغ جرایمی چون سرقت، جیب‌بری و منازعه و در مناطق خلوت جرایمی همچون تجاوز، ضرب و جرح و قتل، شیوع بیشتری دارند. جرایم شهری نیز با جرایمی که در مناطق روستایی یا نواحی خالی از سکنه (بیابان، جنگل و...) روی می‌دهند، تأثیرات آب و هوایی در مناطق مشخص جغرافیایی ارتکاب بزه‌هایی را بیشتر و امکان ارتکاب جرایمی را کاهش می‌دهند که از حیث نوع، میزان و شرایط گاه متفاوتند و گاه اختلافات فاحش ولی موارد مشابهی هم دارند.

مسائل جرم، در بسیاری از کشورها همسنگ با تاریخ آن‌ها از سال ۱۹۴۵ (پایان جنگ جهانی دوم) بوده است. از جمله برنامه‌های بزرگ توسعه و طرح‌های ساخت و ساز برای برآوردن نیازهای ضروری نظام‌های ساخت و ساز آزمایش نشده، برج‌سازی‌های گسترده در دهه ۱۹۶۰ و تراکم شدید زوال منطقه‌های شهر در پایان دهه ۱۹۷۰ و آغاز دهه ۱۹۸۰ به طور کلی فقدان شدید تجربه در همه دست‌اندرکاران و نه تنها مهندسان و معماران به چشم می‌خورد. اسکار نیومن ارتباط میان طراحی و جرم را با بیان این‌که ساخت برج‌های دارای سرایدار و نگهبان اثر مثبتی بر خانواده‌های متوسط (از نظر درآمد) و کم‌جمعیت (از نظر شمار فرزندان) داشته است، می‌افزاید: ولی این مساله را نمی‌توان بدون در نظر گرفتن همین امکانات و تجهیزات برای استفاده گسترده خانواده‌های کم درآمد به سادگی تثبیت کرد. به باور او هیچ دلیلی وجود ندارد که برج‌های بلند، الزام‌های محدود اقتصاد سرمایه‌گذاری را حفظ کند. اگر این خانه‌ها ساخته شوند زندگی در آن‌ها خطرناک و نگهداری آن‌ها پرهزینه خواهد بود. این استدلال اقتصادی که به ساخت اولیه آن خانه‌ها می‌انجامد وارونه می‌شود. هزینه انجام این ساخت و سازها از هزینه‌های اجتماعی برآمده از ساکنان آن خانه‌ها فراتر می‌رود. در طراحی این خانه‌ها هیچ توجهی به سنت‌های گذشته نشده و هیچ تلاشی برای شناخت نیارهایی که در زیست‌گاه بشر باید به آن‌ها پاسخ داد انجام نمی‌شود. نیومن از برج‌سازی‌های گسترده در نیویورک نگران بود. تجربه بریتانیا از سال ۱۹۴۵ نشان می‌دهد که مسائل مشابهی در دیگر شکل‌های کم تراکم‌تر مسکن

می‌توانند رخ دهند. این درس‌ها را باید برای پرهیز از اشتباهات گذشته به کار گرفت. نقش مناطق مختلف جغرافیایی و اقلیمی را نیز در شکل‌گیری جرایم نمی‌توان نادیده گرفت. برای مثال در شهر تهران تمام کلانتری‌ها دارای کد جرایم هستند و بر همین اساس از فراوانی جرایم مختلف در نقاط و منطقه‌های گوناگون شهری گزارش یا آمار می‌دهند. اسکار نیومن در کتاب فضای قابل دفاع پیش‌گیری از جرم از رهگذر طراحی، نظریه‌های خود را بر پایه آمارهای مفصل، شکل فیزیکی مسکن شهری در نیویورک تشریح کرده است. مطالعه او یافته‌های مهمی در پی داشت. پایین‌ترین میزان جرم در ساختمان‌های ۳ طبقه رخ می‌دهند، در حالی که در ساختمان‌های بالای ۶ طبقه و شهرک‌های دارای بیش از ۱۰۰۰ واحد مسکونی میزان جرم بسیار بالاست. در ساختمان‌های بلند، بخش بزرگی از جرم‌ها، در فضای درونی همگانی در مقایسه با همان مکان در ساختمان‌های کم‌ارتفاع رخ می‌دهد. وی یادآور شد که اگرچه ساختمان‌های بلند می‌توانند برای خانواده‌های پردرآمد کم‌تعداد که از نظر امکانات امنیتی و سرایدار بهره‌مندند مفید باشد، برای استفاده همگانی کارآیی ندارند. از این رو می‌بینیم که شکل و کالبد شهرها با ایجاد فرصت و انگیزه برای ارتکاب جرم ارتباط مستقیمی دارد (ایان کلوهن، ۱۳۸۷، ص ۷۰-۶۹).

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی در ایران

امنیت که یک عامل مهم برای سکونت است، فقط توسط نگهداران و پلیس ایجاد می‌شود و ساکنان مسئولیتی در ایجاد امنیت توسط نظارت عمومی ندارند. میزان جرائم بر اساس انواع مکان‌ها و فضاها متفاوت است. در واقع قبلاً در ایران و بقیه کشورها، فضاهای شهری شامل میدان‌ها و خیابان‌هایی بود که طراحی شده و مشخص بودند. اما در دوره اخیر هنگامی که دسترسی‌ها بخواهند مکان خود را در شهر بیابند، آن‌گاه ایجاد فضاهایی را می‌نمایند که گم شده‌اند و امکان نظارت دید بر آن‌ها کم است و یا وجود ندارد و بنابراین تبدیل به فضاهای غیرقابل دفاع می‌شوند. در ایران در زمینه پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی اقداماتی انجام شده، از جمله، شهرداری تهران شروع به کنترل فضای زیر پل‌ها و زیرگذرها نموده و با ایجاد بعضی تجهیزات در آن، سعی در تبدیل به یک فضای شهری زنده برای شهروندان نموده‌اند. اگر یک نظارت طبیعی در این فضاها وجود داشته باشد، این فضاها می‌توانند یک فضای شهری مناسب باشند، اما اگر تمام جنبه‌های فضای شهری مناسب نشده باشد و توجهی به نور و نظارت عمومی در آن‌ها نگردد این فضا تبدیل به یک فضای غیرقابل دفاع خواهد شد. این نکته در بعضی موارد نشان‌دهنده این است که فضاهای عمومی ما به نحوی تجهیز نشده‌اند که تمام گروه‌های اجتماعی به عنوان مثال زنان یا بچه‌ها یا معلولان بتوانند از آن‌ها به طور مساوی استفاده کنند. به علاوه توجهی به مبلمان شهری و مشکلاتی که آن‌ها می‌تواند ایجاد کنند نمی‌شود. در حالی که مبلمان شهری و طراحی آن، عاملی مهم در به وجود آوردن فضای غیرقابل دفاع می‌باشد. مثل پل‌های هوایی.

باید گفت که شهرنشینی در ایران پدیده‌ای فزاینده محسوب می‌شود. داده‌های آماری و نیز نرخ رشد جمعیت شهری کشور حاکی از استمرار افزایش جمعیت است این در حالی است که اغلب یافته‌های تحقیقاتی پژوهشگران بر وجود رابطه آماری مستقیم، بین افزایش جمعیت و نرخ جرایم آسیب‌های اجتماعی و به تعبیر دیگر آنومی‌های شهری صحه می‌گذارد. بنابراین از یک سو جامعه شهری در ایران رو به افزایش و از سوی دیگر افزایش نرخ جرایم

و آسیب‌های اجتماعی قابل پیش‌بینی است. از این‌رو هر چند که طی سال‌های گذشته اقداماتی در حوزه‌های مختلف از جمله حوزه انتظامی و نیز پیشگیری‌های اجتماعی از طریق آموزش‌های رسمی و غیررسمی در دوران مختلف کودکی، نوجوانی، جوانی و برای جلوگیری از روند رو به افزایش جرایم فعالیت‌های مشهود در خور توجه‌ای انجام شده است با وجود این به نظر می‌رسد جامعه شهری ما و نیز نظام اجتماعی و نظام شهرسازی ماخوذه آن هنوز از دست نامرئی شهرسازی در پیشگیری از جرایم شهری غافل مانده است. اغتشاش فضایی و کالبدی حاکم، بر اغلب سیمای شهرهای کشور به ویژه شهرهای بزرگ حاکی از این است که هنوز ضوابط و مقررات شهرسازی از کارآمدی لازم برخوردار نشده است و هنوز جامعه حرفه‌ای و اجرایی ما از توان لازم جهت ساماندهی محیطی که فراهم‌آورنده آسایش و امنیت محیطی گردد برخوردار نشده است. حال آن‌که روان‌شناسان محیطی در تحقیقات و پژوهش‌های علمی خود اثر تظاهرات ناهنجار شکلی را بر ایجاد الگوهای رفتاری به اثبات رسانده‌اند. معاونت شهرسازی وزارت مسکن در سال ۱۳۸۲ با درک این مسئله به منظور شناخت ویژگی‌های محیط فضاهای شهری امن و در نهایت تدوین ضوابط شهرسازی کاهش شرایط جرم‌خیزی در فضاهای شهری کشور لزوم مطالعه‌ای را در این زمینه احساس کرده و این طرح را به اجرا می‌گذارد. محصول فرایند این مطالعه پس از ارائه ۳ جلد گزارش در قالب بخش‌های نظری و مطالعات میدانی به تدوین پیش‌نویس مقررات سامان‌دهی فضاهای شهری به منظور پیشگیری از جرایم انجامید (اسماعیل صالحی ۱۳۸۷ ص ۱۳ و ۱۴).

پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی دارای شش رکن و ویژگی قابل تصور است:

- ۱: تعیین قلمرو (قلمرو گرایی) ۲: نظارت (اعم از رسمی و غیررسمی) ۳: کنترل ورودی ۴: تصویر و نگهداری از فضا
- ۵: سخت کردن آماج جرم ۶: فعالیت پشتیبانی
- ۱: تعیین قلمرو (قلمرو گرایی): اسکار نیومن در بررسی رابطه‌ی میان فضای کالبدی و محیط اجتماعی، بر وجود زبان سمبلیک برای تعریف محدوده‌ها و بیان قلمرو و حریم‌ها تاکید دارد، به طوری که برخی بیانگر موانع واقعی هستند و برخی موانع سمبلیک را به نمایش می‌گذارند. اما به هر طریق یک هدف دنبال می‌شود، گذار از فضایی عمومی به سمت فضایی خصوصی‌تر که حضور شخص غریبه در آن نیازمند دلیل است و جنبه‌ی محدود کننده‌ی رفتاری دارد. فضاهای تعریف نشده و غیرقابل دفاع، احساس آزار رسانی را به وجود می‌آورند و مشوق بروز جرایم هستند. زمانی که قلمروها مشخص و مجزا هستند مردم چشمان خود را روی مشکلات باز کرده و عکس‌العمل نشان می‌دهند (بحرینی و تاجبخش، ۱۳۷۷، ص ۲۲-۲۷).

عامل قلمرو، نشانه مالکیت یا تحت سرپرستی بودن منطقه است که هم موجب نظارت ساکنان بر منطقه می‌شود و هم به طور نامحسوس با اخطار دادن به مجرمین مبنی بر این‌که در حال قدم گذاشتن به حریم خصوصی افراد هستند، مانع کار آن‌ها می‌شوند (فلاح، ۱۳۸۵، ص ۶۲).

۲: نظارت یا مراقبت: طراحی فیزیکی این قابلیت را دارد که فرصت‌های نظارت طبیعی و غیررسمی ساکنان را افزایش دهد (چاپلند، ۱۳۷۹، ص ۵۳). هدف اصلی مراقبت، راندن مزاحم نیست بلکه زیرنظر داشتن دقیق آن است تا اصلاً مزاحم، به وسیله مراقبت دقیق نتواند مزاحمتی ایجاد نماید. نظارت را می‌توان بخشی از محافظت بالقوه‌ی محله

دانست. اگر مجرم تصور کند که در صورت ارتکاب جرم در معرض نظارت و مشاهده قرار خواهد گرفت، اگرچه به واقع نیز این گونه نباشد، احتمال ارتکاب جرم توسط وی کمتر خواهد شد. زیرا وی در «فرایند گذار از اندیشه به عمل» منافع و خطر ارتکاب جرم را می‌سنجد. وی می‌داند که در این محله به علت نظارت بالقوه، احتمال دخالت ساکنان، پلیس و در نهایت دستگیری بالا خواهد بود، در نتیجه از ارتکاب جرم منصرف خواهد شد. در مطالعه‌ای که در رابطه با گرایش‌ها و افکار مجرمان انجام شده است، ۲ عامل در متوقف کردن مجرمان بسیار موثر تلقی شده است: اول نشانه‌ها و علائم تصرف و دیگری نظارت. سارقان بر اهمیت نظارت ساکنان محله صحنه گذاشته‌اند و بعد از مالکان، همسایگان را مهم‌ترین افراد برای نظارت بر محله معرفی کرده‌اند (بنت، ۱۹۸۶، ص ۵۵-۶۱).

نظارت بر ۳ گونه است: ۱: غیررسمی یا طبیعی (از طریق پنجره‌ها) ۲: رسمی یا سازمان‌یافته و ۳: مکانیکی (روشنایی و دوربین مدار بسته) نظارت طبیعی و غیررسمی، این است که منزل به گونه‌ای طراحی شود که ساکنان داخلی بتوانند به راحتی بر فضاهای خصوصی، نیمه‌خصوصی و عمومی کاملاً نظارت داشته باشند. این نظارت معمولاً از طریق پنجره‌ها ممکن می‌شود. نظارت رسمی یا سازمان‌یافته، توسط افرادی که به این کار گمارده می‌شوند، مانند محافظان امنیتی یا نگهبانان انجام می‌شود. نظارت مکانیکی، با بهبود روشنایی و نصب دوربین‌های مدار بسته قابل اجرا است.

۳: کنترل دسترسی یا ورودی: کنترل دسترسی یکی از مفاهیم اصلی این نظریه است که بر کاهش فرصت‌های مجرمانه متمرکز است. این کاهش از طریق جلوگیری از دسترسی به آماج‌های بالقوه، بالا بردن خطر دستگیری و افزایش تلاش برای ارتکاب جرم محقق می‌شود. کنترل دسترسی یا ورودی‌ها شامل راهبردهای غیررسمی یا طبیعی (مانند تعریف فضا)، رسمی یا سازمان‌یافته (مانند استخدام نگهبان یا پذیرش در ورودی ساختمان) و مکانیکی (مانند قفل‌ها و آیفون‌های تصویری) می‌باشد. تحقیقات نشان می‌دهند، مناطقی که دارای ورودی‌ها و دسترسی نامنظم و بی‌قاعده هستند، نسبت به مناطقی که دارای ورودی و دسترسی محدود هستند، جرایم بیشتری را تجربه می‌کنند. علاوه بر این، مطالعات نشان می‌دهند، که خانه‌هایی که در ابتدای محله یا سر کوچه واقع می‌شوند در مقایسه با خانه‌هایی که در داخل و مرکز کوچه قرار دارند، بیشتر مورد سرقت قرار می‌گیرند. پس هرچه میزان دسترسی راحت‌تر باشد، میزان جرم نیز بیشتر خواهد بود، هر چند کنترل معابر در خیابان‌ها و مناطقی که باز هستند بسیار مشکل است اما برای کنترل این محیط‌ها هم تکنیک‌هایی وجود دارد. برای مثال موانع روان‌شناسی یا غیرفیزیکی می‌تواند برای کنترل این گونه معابر مورد استفاده قرار گیرند. این موانع ممکن است به شکل نمادها، ترکیب سنگ‌فرش خیابان، هرس کردن باغچه‌های اطراف و... مشخص شوند. هدفی که پشت یک مانع روان‌شناسانه وجود دارد آن است که این موانع هر چند عجیب به نظر می‌رسند، اما از طرف دیگر برای مجرمین بالفطره یک حس ناخوشایند به وجود می‌آورند.

۴: تصویر و نگهداری از فضا: نظریه فضای قابل دفاع بر این نکته تاکید دارد که امنیت و قابلیت زندگی در یک فضا بستگی به درک و تصویری دارد که ساکنین و محله‌های مجاور از آن دارند. اگر ساکنان، تصویر بدی از آن فضا داشته باشند، احتمال ارتکاب جرم در آن فضا بیشتر خواهد بود.

۵: سخت کردن آماج: سخت کردن آماج جرم، سنتی‌ترین روش پیشگیری از جرم و در عین حال یکی از اجزای اصلی این نظریه است. هدف از سخت کردن آماج جرم، افزایش امنیت فیزیکی آماج‌های جرم است، تا بدین وسیله کار مجرمین به هنگام ارتکاب جرم مشکل‌تر شود. این روش بر این فرض مبتنی است که می‌توان از طریق کاهش درجه آسیب‌پذیری آماج‌هایی که فرصت ارتکاب جرم را فراهم می‌آورند از وقوع جرم جلوگیری کرد (نجفی ابرند آبادی و هاشم بیگی، ۱۳۷۷، ص ۳۲۳).

سخت کردن آماج جرم در ساختمان به معنای بهبود استانداردهای امنیتی در ساختمان است که موجب دور نگه داشتن مجرمان از ساختمان می‌شود. به عبارت دیگر می‌توان گفت، سخت کردن آماج جرم بدین معنا است که آماج‌ها و اشیایی که معمولاً مورد تخریب یا سرقت واقع می‌شوند به نحوی طراحی شوند، که در برابر جرم مقاوم بوده و از تخریب یا سرقت مصون بمانند (مرتضایی، ۱۳۸۱، ص ۱۴).

۶: فعالیت پشتیبانی: فعالیت پشتیبانی شامل استفاده از طراحی به منظور تشویق ساکنان در جهت استفاده و حضور بیشتر در فضاهای عمومی است. به عبارت دیگر، قرار گرفتن فعالیت‌های نا امن در مکان‌هایی امن، یعنی مکان‌هایی با میزان فعالیت بالا و فرصت نظارت فراوان. از طرف دیگر فعالیت‌های امن به مانند آهن‌ربایی عمل می‌کنند که موجب خواهند شد تا افراد یک محله در یک جا دور هم جمع شده و این مسئله موجب می‌شود تا حضور مجرمان کمتر شود (see, patterson, 1997, pp. 179-202).

نسل دوم پیشگیری محیطی: توسعه پایدار با به کار گیری اصول پیشگیری محیطی گرگ سویل و گری کلیوند گرایش مهم جدیدی درباره پیشگیری محیطی پدید آمده است. دومین نسل پیش‌گیری محیطی، طراحی محیط را به منزله نخستین گام به منظور ایجاد منطقه‌های سالم و پایدار می‌نگرد. آنچه در واقع ارزش دارد، ایجاد یک حس همسایگی و محلی بودن از رهگذر رهیافتی کل‌نگرانه به توسعه فیزیکی اجتماعی و اقتصادی است.

گرگ سویل و گری کلیوند در کتاب نسل دوم پیش‌گیری محیطی، پادزهری برای ویروس اجتماعی سال ۲۰۰۰ طراحی شهری نشان می‌دهند، که استانداردهای برجسب‌زنی هلند چگونه زبان الگوی کریستوفر الکساندر را در هم آمیخته و آن را به منظور تامین طراحی شهری به کار می‌بندد. آنان توجه‌ها را به ۵ مقوله مندرج در استانداردهای هلندی جلب کردند که محیط فیزیکی را با چگونگی زندگی افراد پیوند می‌دهد: اندازه ناحیه، تراکم و تفاوت واحدهای مسکونی مقیاس انسانی، اهمیت مکان‌های دید و بازدید که بدون در نظر گرفتن آن فضاهای شهری می‌توانند خالی مانده و خطرناک شوند. تدارک امکاناتی برای جوانان به ویژه باشگاه‌های جوانان-مشارکت ساکنان مسولیت ساکنان، با وجود این، آنان با معرفی شکل جدیدی از (منطقه‌های زیست‌بومی پایدار که از اصول طراحی سنتی پیش‌گیری محیطی بهره‌مندند) فراتر از این رفتند. آنان این کار را به منظور گستراندن تلاش‌ها به قلمرو مسولیت ساکنان، مشارکت ساکنان، فعالیت‌های جوانان، مکان‌های دید و بازدید و محله‌های با مقیاس انسانی ضروری انگاشتند. این یعنی زندگی در محله‌های کوچک‌تر، محل زندگی نزدیک، محل کار، مدرسه و جایی که افراد جامعه‌پذیر می‌شوند. این یعنی ایجاد و گسترش راه‌های تشویق تماس‌های محلی‌تر برای تعامل اجتماعی، اقتصادی و سیاسی است. فرصت‌های بیشتری برای روابط دوستانه و خانوادگی در بستر محلی بدون زیر پا گذاشتن ضرورت‌های

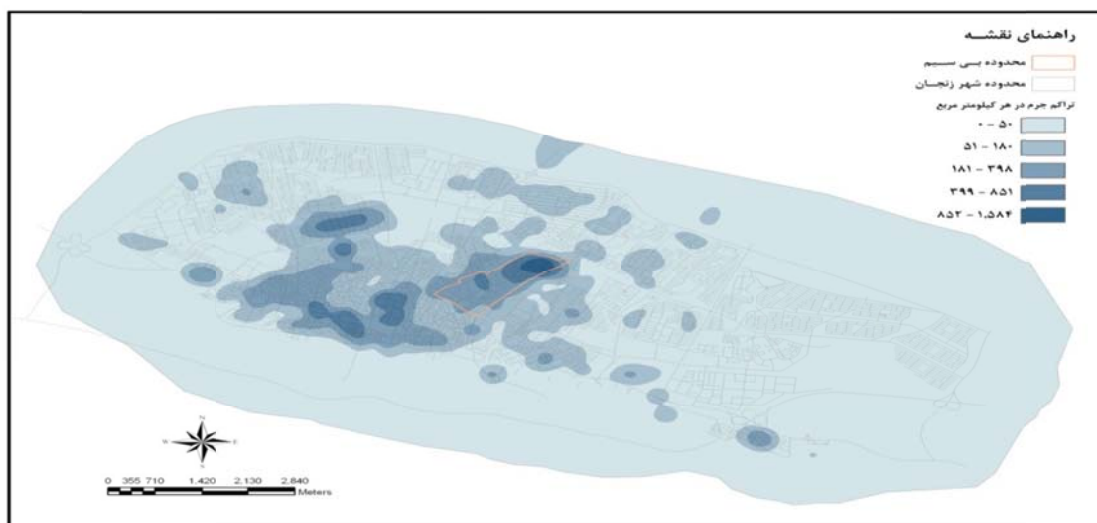
مهم فضا‌های شخصی و ناحیه‌های اجتماعی محلی کارآمد را باید طراحی کرد (ایان کلوهن، ۱۳۸۷، ص ۱۱۹-۱۱۸) سویل و کلیوند از نظام‌های کوچک بقا یا ادامه حیات دفاع می‌کنند. آن‌ها می‌گویند: ما به اقتصادهای با مقیاس بزرگ، مدرسه‌های انبوه، موسسه‌های علمی و آکادمیک^۳ گانه تجربی محور، سازمان‌های بزرگ، حکومت بزرگ و مکان‌های شغلی با مقیاس بزرگ متکی هستیم. ولی این‌ها دیگر در محیط‌های اجتماعی آشفته ما پذیرفتنی نیستند. زیرا بسیار بی‌روح و بی‌رونق، انعطاف‌ناپذیر و منفعلند. این دو پژوهشگر در عوض نظام‌های کوچک پایدار، بازارهای کوچک و اقتصادهای پایدار محلی را پیشنهاد می‌کنند (کلاتری، ۱۳۸۷، ص ۲۰).

جرم در شهر زنجان

در بین شهرهای کشور، زنجان از جمله شهرهایی است که میزان جرایم آن قابل توجه است. این شهر به دلیل موقعیت خاص خود در منطقه و استان، طی دو دهه اخیر دگرگونی‌های اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی سریعی را تجربه کرده است. علاوه بر این، طی چند سال اخیر مهاجرت‌های بسیاری به این شهر صورت گرفته است و جمعیت آن را به میزان قابل توجهی افزایش داده است و موجب مسائل و مشکلات متعددی شده است. از جمله این مشکلات عدم توازن بین جمعیت و امکانات موجود در شهر، تراکم بالای جمعیت، کمبود مسکن، مشکلات آلوده‌شدن، افزایش حاشیه‌نشینی و از همه مهم‌تر میزان قابل توجه جرایم و کج‌روی‌های اجتماعی در آن‌هاست. علاوه بر این، بررسی میزان ارتکاب جرایم در این شهر طی چند سال گذشته، نشان می‌دهد. میزان رشد ورودی به زندان شهر زنجان در سال ۱۳۸۰ نسبت به سال ۱۳۷۹، ۶.۴ درصد، سال ۱۳۸۱ نسبت به سال ۱۳۸۰، ۱۲.۴ درصد، در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۸۱، ۲.۴ درصد و نرخ رشد ورودی زندانیان شهر زنجان در سال ۱۳۸۲ نسبت به سال ۱۳۷۹، ۵.۳ درصد بوده است (اداره زندان‌های استان زنجان، ۱۳۸۲، ص ۳).

نکته حائز اهمیت این‌که در شهر زنجان همانند دیگر شهرهای کشور و حتی جهان، دستگاه قضایی و انتظامی بیشتر با سیاست‌های قضایی و کیفری به مقابله با جرم برمی‌خیزد. در واقع این امر به جای مبارزه با مجرم در دستور کار قرار می‌گیرد. همان‌طور که تجربه نشان داده است، این امر در جهت کاهش ناهنجاری‌ها چندان مثمرتر نیست و آنچه تمامی اندیشمندان بر آن اتفاق نظر دارند این است که بر سیاست‌های پیشگیرانه تاکید شود، یعنی با شناسایی عوامل بروز جرم و شرایط تسهیل‌کننده ارتکاب رفتارهای ناهنجار و حذف یا کاهش اثرات آن‌ها از بروز جرم پیشگیری شود. آنچه مسلم است مکان، زمان و انگیزه و توانایی مجرم، ۳ عامل اصلی پیدایش رفتار مجرمانه است. توجه به این ۳ عامل و مشخصات آن می‌تواند تاثیر بسزایی در اتخاذ سیاست‌های پیشگیری از وقوع جرم ایفا نماید. در این میان نقش عامل مکان (محیط) بسیار تعیین‌کننده است.

تحقیقات اثبات نموده است، که مجرمین در انتخاب محل وقوع جرم کاملاً سنجیده و منطقی عمل می‌نمایند و در حد امکان محدوده‌هایی را برای ارتکاب جرم برمی‌گزینند که شرایط بهتر و مناسب‌تری را (برای ارتکاب جرم و فرار پس از ارتکاب) داشته باشد. بنابراین چنانچه بتوان از نقطه‌نظر مکانی-فضایی امکان ارتکاب جرم و فرصت‌های کج‌روی را از مرتکب آن گرفت و یا این فرصت‌ها را کاهش داد و به حداقل رسانید، جامعه سریع‌تر راه سلامت را پیموده و نرخ تبه‌کاری در شهر به طور قابل ملاحظه‌ای کاهش خواهد یافت (کلاتری، ۱۳۸۰، ص ۴۰).



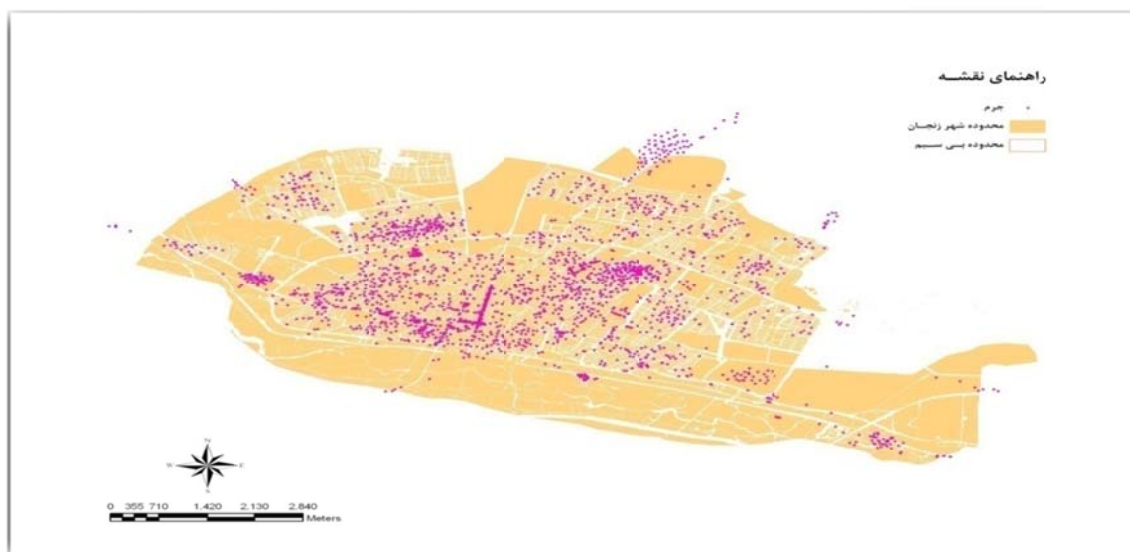
نقشه شماره ۱: کانون‌های جرم خیز کل جرایم شهر زنجان بر اساس روش تخمین تراکم کرنل (۱۳۸۷)

منبع: سمیه قزلباش، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، به راهنمایی محسن کلاتری، زنجان، دانشگاه زنجان (۱۳۸۷)



نقشه شماره ۲: مرکز متوسط و بیضی انحراف معیار کل جرایم در سطح شهر زنجان

منبع: قزلباش



نقشه شماره ۳: توزیع نقطه‌ای کل جرایم در شهر زنجان
منبع: قزلباش

نوع کالبد شهر و تاثیر آن بر توزیع مکانی جرم در شهر زنجان

در این پژوهش به طور موردی جرم سرقت را عنوان خواهیم کرد، به این ترتیب که، نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، مهم‌ترین مکان‌های وقوع جرم سرقت به ترتیب حاشیه خیابان یا پیاده‌روها، منازل مسکونی و مراکز تجاری بوده است.

خیابان‌ها و پیاده‌روها

حدود ۵۵ درصد از جرایم سرقت در حاشیه خیابان‌ها یا پیاده‌روهای شهر زنجان اتفاق افتاده است. این سرقت‌ها بیشتر مربوط به سرقت موتور، اتومبیل یا لوازم آن‌ها و کیف‌زنی است. مهم‌ترین خیابان‌های شهر که در آن‌ها جرایم زیادی اتفاق افتاده است. عبارتند از خیابان امام (به ویژه مسیر بین چهارراه انقلاب و چهارراه امیرکبیر)، خیابان سعدی جنوبی، خیابان سعدی وسط، چهارراه سعدی، دروازه رشت، دروازه ارک، کوچه مشکی، میدان آزادی و هنرستان است. جرم کیف‌زنی نیز بیشتر در مکان‌های پرزدحام و شلوغ شهر صورت می‌گیرد. زیرا در چنین مکان‌هایی سارقان در حین ارتکاب جرم به راحتی می‌توانند خود را در میان انبوه جمعیت مخفی سازند و اعمال مجرمانه خود را پیش برند. مطابق بررسی‌های انجام شده، اکثر کیف‌زنی‌ها در خیابان‌ها و مکان‌های شلوغ مرکز شهر از جمله خیابان امام، چهارراه انقلاب، سبزه‌میدان، چهارراه امیرکبیر، خیابان سعدی وسط، خیابان سعدی جنوبی، دروازه ارگ، خیابان جمهوری انجام گرفته است. بیشتر کیف‌زنی‌ها در بخش مرکزی و تجاری شهر که متراکم‌تر از نقاط دیگر شهر می‌باشد اتفاق افتاده است. زیرا مهم‌ترین مراکز اداری و تجاری شهر در بخش مرکزی قرار گرفته است و این امر باعث تراکم قابل توجه جمعیت و کاربری در این بخش از شهر شده است. به دیگر سخن ازدحام و تراکم جمعیت در بخش مرکزی شهر به دلیل ماهیت این قسمت شهر در طول روز باعث شده است در بخش مرکزی تعداد جرم کیف‌زنی بیشتر از نقاط دیگر شهر رخ دهد.

کاربری مسکونی

حدود ۲۲ درصد از سرقت‌ها از منازل مسکونی صورت گرفته، سرقت از منازل مسکونی به صورت پراکنده بیشتر در محلات مسکونی و شهرک‌های مسکونی شهر رخ داده است. بیشترین میزان سرقت‌ها مربوط به شهرک کارمندان، شهرک آزادگان، شهرک فجر، بی‌سیم، ناحیه ۳ و ۴ منطقه ۲، ناحیه ۲ منطقه ۱، اسلام‌آباد، اعتمادیه می‌باشد. نکته حائز اهمیت اینکه در بخش مرکزی شهر بدلیل کم بودن کاربری مسکونی، میزان سرقت از منازل مسکونی کمتر است.

کاربری تجاری

قریب به ۲۰ درصد از سرقت‌های مورد بررسی در این پژوهش، از مراکز تجاری صورت گرفته است. سرقت از مراکز تجاری در اکثر موارد از بخش مرکزی و تجاری شهر یعنی محدوده بازار واقع در ناحیه ۱ منطقه انجام گرفته است. همچنین سرقت‌های متعددی در خیابان‌های سعدی وسط، چهارراه انقلاب، چهارراه امیرکبیر، خیابان سعدی جنوبی اتفاق افتاده است، سرقت‌هایی نیز به صورت پراکنده در بی‌سیم، انصاریه، کوچه مشکی، اسلام‌آباد، دروازه ارک به وقوع پیوسته است. اگرچه تعداد این سرقت‌ها به نسبت بخش مرکزی بسیار کمتر است. ملاحظه می‌شود که سرقت از مراکز تجاری بیشتر از بخش تجاری شهر و مکان‌هایی از شهر که کاربری غالب آن تجاری است اتفاق افتاده است.

سایر کاربری‌ها

در سایر مکان‌های شهر نیز تعداد معدودی سرقت اتفاق افتاده است، از جمله در مراکز اداری ۳ درصد از کل جرایم سرقت اتفاق افتاده است. سرقت در ساختمان‌های نیمه‌کاره نیز ۳ درصد از کل جرایم سرقت انجام گرفته است که بیشتر در شهرک‌های اعتمادیه و انصاریه روی داده است. ۳ درصد دیگر از جرایم سرقت نیز مربوط به پارکینگ‌های عمومی و خصوصی می‌باشد. از ترمینال‌ها و ایستگاه‌های حمل‌ونقل و مراکز تفریحی و ورزشی و فضاهای سبز نیز ۱ درصد از جرایم سرقت اتفاق افتاده است.

تاثیر شرایط فیزیکی در ارتکاب جرم در شهر زنجان

۱: تاثیر شلوغی و خلوتی و نوع کاربری در ارتکاب بزه سرقت

بی‌شک خلوتی محیط، موقعیت و فرصت ارتکاب جرم را تشدید می‌نماید. بدیهی است در محیطی که افراد در معرض دید هستند، کنترل‌های اجتماعی مانع بروز بسیاری از رفتارهای ناهنجار می‌شود، برعکس مکان‌های خلوت مکان‌هایی هستند که بدلیل عدم وجود کاربری‌ها و عملکردهای نامناسب یا روشنایی کافی، بی‌نظمی‌ها و بهم‌ریختگی‌های فیزیکی و... مکان‌های رها شده هستند، که مورد استفاده مردم قرار نمی‌گیرند. از آنجایی که در این مکان‌ها کنترل و نظارت اجتماعی اندک است، به راحتی امکان اقدامات بزهکارانه میسر است. طبیعی است با تغییر ویژگی‌های محیطی، مکان‌های خلوت از طریق بالا بردن تراکم جمعیت و فعالیت‌ها، می‌توان امکان تردد شهروندان را در این‌گونه فضاها فراهم کرده، در نتیجه با افزایش نظارت اجتماعی می‌توان باعث کاهش شدت جرم‌زایی مکان‌های خلوت شد.

همان‌قدر که مکان‌های خلوت در وقوع جرایم مختلف موثر می‌باشند، مکان‌های شلوغ و پرازدحام نیز به همان اندازه در بروز برخی جرایم خاص مهم هستند. جرایمی مثل کیف‌زنی و جیب‌زنی بیشتر در مکان‌های شلوغ و متراکم انجام می‌گیرند. بنابراین هم تراکم پایین و هم تراکم بالا در مکان‌های مختلف شهر در بروز جرایم مختلف موثر می‌باشند. به نظر می‌رسد وجود یک نوع تراکم متوسط در فضاهای عمومی شهر می‌تواند جهت کاهش جرایم مناسب‌تر باشد. در شهر زنجان نیز وضع به این گونه است. نتایج پژوهش نشان داده که ۸۰ درصد مجرمین مکان‌های خلوت را جهت انجام اعمال غیرقانونی خود انتخاب کردند و ۲۰ درصد مکان‌های شلوغ را برگزیدند. همچنین نشان داد که ۶۶ درصد از مجرمینی که محل‌های شلوغ را جهت انجام جرم سرقت انتخاب کردند، مرتکب جرم کیف‌زنی و ۱۸ درصد نیز مرتکب سرقت از مراکز تجاری شده‌اند. نکته حائز اهمیت این است که، هیچ‌کدام از مجرمین جهت سرقت از منازل مسکونی، محیط‌های شلوغ را برگزیده‌اند.

۲: سرقت در روز و در شب

میزان وقوع انواع سرقت در شهر زنجان از یک الگوی یکسان تبعیت نمی‌کند، هر کدام از انواع سرقت در شرایط زمانی و مکانی خاصی به وقوع پیوسته‌اند. بعضی از جرایم بیشتر در طول روز و در شرایط مکانی خاص صورت گرفته و برخی بیشتر در طول شب و در مکان‌های ویژه‌ای رخ داده‌اند. به طور کلی بیشتر جرایم سرقت در نواحی مختلف شهر زنجان در طول روز اتفاق افتادند. مطابق تحقیقات انجام شده، میزان سرقت‌های روز در شهر زنجان بیشتر از شب است.

بیشترین تعداد جرم سرقت که در هنگام شب اتفاق افتاده است، مربوط به سرقت از منازل مسکونی است که ۳۷ درصد سرقت‌های شب را شامل می‌شود. زیرا در شب به دلیل تاریکی و خلوت بودن معابر و محلات مسکونی و همچنین بدلیل اینکه ساکنین منازل در حال استراحت می‌باشند. سارقین راحت‌تر دست به سرقت می‌زنند. در شهر زنجان اکثر مناطق مسکونی که در دهه‌های اخیر احداث شده‌اند مثل شهرک کارمندان، شهرک زیباشهر، کوی فرهنگ و اراضی پایین‌کوه و... مناطقی هستند که بیشترین کاربری آن‌ها مسکونی می‌باشد، و کاربری‌های تجاری، اداری در این مناطق کمتر است بنابراین چه در روز و چه در شب رفت و آمد در آن‌ها اندک است. در نتیجه نظارت اجتماعی در این مناطق در سطح پایین قرار دارد و این امر برای مجرمین فرصت مناسبی را جهت اعمال مجرمان پدید می‌آورد. به‌ویژه در طول شب عامل تاریکی نیز به عامل خلوت بودن این مکان‌ها اضافه می‌شود و شرایط محیطی بهتری از دید مجرمین جهت انجام اعمال خلاف به وجود می‌آورد. طبق تحقیقات سرقت از منازل مسکونی ۳۷ درصد سرقت‌های شبانه و ۱۹ درصد سرقت‌های روزانه را شامل می‌شود. این امر بیانگر این مطلب می‌باشد، که مناطقی از شهر که کاربری مسکونی درصد بالایی از کاربری‌ها را به خود اختصاص داده به دلیل خلوت بودن امکان وقوع جرم به ویژه جرم سرقت بالاست.

سرقت از مراکز تجاری و مغازه‌ها بیشتر در طول روز انجام گرفته است. به گونه‌ای که ۲۳ درصد از سرقت‌های روز را در شهر زنجان تشکیل می‌دهد و این سرقت‌ها بیشتر در بخش مرکزی شهر رخ می‌دهد. سرقت از مراکز تجاری در میان سرقت‌های شبانه رتبه دوم را دارد و ۲۶ درصد این سرقت‌ها را تشکیل می‌دهد. ولی به‌طور کلی سرقت از

مغازه‌ها و مراکز تجاری در هنگام روز بیشتر از شب اتفاق می‌افتد. این امر به دلیل شلوغی این گونه مراکز می‌باشد، که مجرم بعد از ارتکاب جرم به راحتی می‌تواند، از محل ارتکاب جرم بگریزد.

امکانات محل وقوع جرم سرقت جهت فرار یا مخفی شدن

طی بررسی‌های به عمل آمده ۳۰ درصد از مجرمینی که مرتکب سرقت شده‌اند، کوچه‌های باریک و پیچ و خم را جهت فرار یا مخفی شدن مناسب دانستند. ۲۶ درصد مکان‌های خلوت، ویرانه‌ها و ساختمان‌های خالی از سکنه را انتخاب کردند. ۱۲ درصد شلوغی محل، ۹ درصد تاریکی محل وقوع جرم، ۶ درصد فضای سبز و ۴ درصد عدم حضور نیروهای انتظامی را جهت فرار یا مخفی شدن مناسب دانست. کوچه‌های پیچ در پیچ که بیشتر در محلات مسکونی بافت‌های قدیمی شهرها موجود است، به دلیل شرایط کالبدی خاص، پیچیده بودن و تداخل کوچه‌ها در یکدیگر امکان مناسبی را جهت فرار یا مخفی شدن مجرمین فراهم نموده است. مجرمینی که در اینگونه محلات مسکونی مرتکب جرم شده‌اند به راحتی از موقعیت کوچه‌ها استفاده کرده و خود را از محل وقوع جرم دور ساخته‌اند. از تعداد کل مجرمینی که کوچه‌های باریک و پیچ در پیچ را جهت فرار یا مخفی شدن خود برگزیده‌اند ۳۹ درصد مربوط به جرم سرقت از منازل مسکونی و ۳۰ درصد مربوط به سرقت موتورسیکلت یا لوازم آن است که از موقعیت کوچه‌ها برای فرار خود استفاده کرده‌اند.

بی‌شک مهم‌ترین هدف برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری، توزیع بهینه و متناسب کاربری‌ها در مناطق مختلف شهر است. بنابراین برنامه‌ریزی باید به گونه‌ای متوازن و متعادل انجام گیرد که انواع مختلف کاربری‌ها و خدمات در تمام نقاط شهر توزیع شوند تا تمرکز کاربری‌ها در بخش‌های خاصی از شهر موجب تراکم بیش از حد جمعیت و فعالیت‌ها در این نواحی نشود. در غیر این صورت تراکم و ازدحام بیش از حد موجب بروز مشکلات و مسائل مختلفی خواهد شد و رفاه و آسایش شهروندان را با مشکل مواجه خواهد ساخت. با توجه به کاربری اراضی در شهر زنجان، بخش مرکزی شهر مملو از کاربری‌های مختلف تجاری، اداری و خدماتی است. در مقابل مناطق دیگر شهر از جمله شهرک کارمندان، شهرک فجر، شهرک آزادگان، کوی فرهنگ، زیباشهر و... مناطقی هستند که بیشترین کاربری آن‌ها مسکونی است و کاربری‌های دیگر به میزان کمتری در این مناطق در نظر گرفته شده است. و این امر خود عامل بسیاری مهمی در وقوع جرم می‌باشد.

رابطه بین افزایش ارتفاع ساختمان‌ها و میزان جرم سرقت

به نظر اسکار نیومن ساختمان‌های چند طبقه بیشتر در برابر بزهکاری آسیب‌پذیر هستند. زیرا بخش قابل توجهی از این ساختمان‌ها توسط ساکنین آن‌ها قابل رویت نیست و ساکنین این نوع ساختمان‌ها بر نواحی اطراف خود از جمله خیابان‌ها، فضاهای بیرون ساختمان، راهروها، راه‌پله‌ها نظارت کامل ندارند. دیدگاه نیومن در مورد شهر زنجان هم صدق می‌کند. در بخش مرکزی شهر به دلیل ارزش اقتصادی بسیار بالای زمین رشد شهر عمودی است و از حداقل زمین حداکثر استفاده، به عمل می‌آید. به گونه‌ای که انواع کاربری‌ها و فعالیت‌ها در طبقات مختلف ساختمان‌های این بخش مستقر است. بنابراین تراکم ارتفاعی این بخش از شهر به نسبت سایر نقاط شهر بیشتر است. می‌توان دریافت بیشترین ارتفاع ساختمان‌های شهر بر بخش مرکزی و کانون جرم‌خیز شهر مطابقت دارد.

نتیجه‌گیری و ارایه راه‌کار

امنیت عامل بسیار مهم و شرط اساسی برای یک مجموعه مسکونی یا اداری است. امنیت در محل کار یا زندگی از طریق عوامل مختلفی قابل تامین است که یکی از آنها طراحی مناسب و سازگار با اصول و ضوابط ایمنی و پیشگیرانه است. البته در کنار این مطلب به این نکته باید توجه داشت که تحقق امنیت و پیشگیری از جرم بدون توجه به عوامل اجتماعی، اقتصادی، مدیریت مناسب، پلیس کار آمد، و . . . امکان‌پذیر نیست. از آن‌جا که جرم و پدیده شهرنشینی با یکدیگر ملازمه دارند، در پاره‌ای از کشورها مدیریت پیشگیری از جرم به وزارت مسکن و شهرسازی و شهرداری‌ها محول شده است. از این‌رو یکی از مسائل مربوط به توسعه شهرها، معماری پیشگیرانه شهری محسوب می‌شود. بنابراین با توجه به اینکه وزارت مسکن، متولی پیشگیری از جرم است، می‌تواند در ایجاد شهرک‌ها و شهرهای جدید و توسعه شهرهای موجود از یافته‌های جرم‌شناسی پیشگیرانه استفاده کند. توجه به این مطلب ضرورتی است که معماری پیشگیرنده از جرم می‌بایست با سایر ملاحظات معمول در شهرسازی و ساخت اماکن مسکونی از قبیل زیباسازی، صرفه جویی اقتصادی، رعایت حقوق و آزادی فردی، خلوت و حریم خصوصی فرد هم‌خوانی و مطابقت داشته باشد. اصول طراحی محیطی با رویکرد پیشگیرانه می‌تواند به گونه‌ای آسان، ارزان و کارآمد در هنگام ساخت یا تعمیر مجموعه‌های مسکونی اعمال گردد.

در این میان تحلیل فضایی جرایم با رویکرد کانون‌های جرم‌خیز به صورت راه‌کاری موثر برای کنترل پیشگیری از جرایم شهری است. این تحلیل‌ها به مدیریت شهری و سایر مسئولان ایمنی شهر از جمله مسئولان قضایی و انتظامی این امکان را می‌دهد که با اقدامات پیشگیرانه شامل شناسایی محدوده‌های جرم‌خیز شهر در آینده و ارائه راه‌کارها برای ایمن‌سازی و بهبود شرایط فعلی و اقدامات کنترل و درمانی در کانون‌ها جرم‌خیز فعلی که با درک عامل بروز جرم از ابعاد کالبدی است. تصمیمات لازم را برای از بین بردن و یا کاهش اثرات این عوامل در سطح شهر اتخاذ نمایند. این امر در مورد شهر زنجان نیز صادق می‌باشد.

منابع

اشنایدر، ریچارد و ترکیچن (۱۳۸۷). برنامه‌ریزی شهری برای پیشگیری از جرم. ترجمه فرزانه سجودی. تهران: انتشارات میزان، بحرینی، سید حسین، و تاجبخش، گلناز (۱۳۷۷). مفهوم قلمرو در طراحی شهری. تهران: انتشارات هنرهای زیبا دانشگاه تهران، شماره ۶،

پیمانی، ضیال‌الدین (۱۳۸۵). جرایم علیه امنیت و اسایش عمومی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

جیسون، سوزان (۱۳۸۷). پیشگیری از جرم از طریق طراحی محیطی. ترجمه محسن کلاتری. [تهران]: انتشارات آذرکلک، چایلد، باری گود (۱۳۷۹). طراحی مسکن، فرم شهر و توسعه پایدار. ترجمه ایرج اسدی، فصلنامه مدیریت شهری، شماره ۴۵۰، دانش، تاج‌زمان (۱۳۶۶). مجرم کیست و جرم‌شناسی چیست؟. تهران: انتشارات کیهان،

صالحی، اسماعیل (۱۳۸۷). ویژگی‌های محیطی فضاهای شهری امن. تهران: مرکز مطالعاتی و تحقیقات شهرسازی و معماری، عبدالهی حقی، مریم (۱۳۸۳). پایان‌نامه: پیشگیری از جرم از طریق برنامه‌ریزی کاربری اراضی شهری (مورد مطالعه: سرقت در شهر زنجان)، استاد راهنما محسن کلاتری،

کی‌نیا، مهدی (۱۳۶۹). مبانی جرم‌شناسی. تهران: انتشارات دانشگاه تهران،

- کلوهن، ایان (۱۳۸۷). *طراحی عاری از جرم*. ترجمه مهرداد رایجیان و حمید رضا عامری سیاهویی. تهران: انتشارات میزان، گیدنز، آنتونی (۱۳۷۹). *جامعه‌شناسی*. ترجمه منوچهر صبوری. تهران: نشر نی، فلاحی، محمد صادق (۱۳۸۶). *مفهوم حس مکان و عوامل شکل دهنده‌ی آن*. تهران: انتشارات هنرهای زیبای دانشگاه تهران، قزلباش، سمیه (۱۳۸۷). *ناهنجاری‌های کالبدی در مناطق اسکان غیررسمی شهرها و تاثیر آن بر وقوع ناهنجاری‌های اجتماعی*، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، دانشگاه زنجان، دانشکده علوم انسانی، گروه جغرافیا، مرتضایی، رضا (۱۳۸۱). *طراحی ابزار مقابله با تخریب گرایشی (وندالیسم) در محیط شهری*. *مجله شهرداری‌ها*. سال سوم، ش ۲۵، نجفی‌ایراندآبادی، علی حسین؛ و بیگی، هاشم، (۱۳۷۷). *دانشنامه جرم‌شناسی*. تهران: انتشارات دانشگاه.

Angel, S.(1968), *Discouraging Crime through City Planning*, Berkley, Institute of Urban And Regional Development.

Beavon, D., Brantingham, P. L., Brantingham, P.J.(1994), "The influence of street networkson the patterning of property offenses", in Clarke, R. V.(Eds), *Crime Prevention Studies, Criminal Justice Press, Monsey, NY, Vol. Vol.2*. Available on: http://www.popcenter.org/library-crime_prevention.htm.

Bennett, Trevor.,(1986), *Situational Crime Prevention From The Offender Perspective*, In Heal & Laycoke.

Brantingham, P.L., Brantingham, P.J.(1991), *Environmental Criminology*, Sag, Publication, Beverly Hills, CA.

Archive of SID